

بوکان

حسن سپهر فر، سیروس علی اکبرزاده

شهرستان بوکان یکی از شهرستان‌های کردنشین استان آذربایجان غربی ایران است. شهرستان بوکان در منطقه تقریباً کوهستانی و معتدل قرار گرفته که از شمال به شهرستان میاندوآب و از جنوب به شهرستان سقز و از شرق به شهرستان شاهین دژ و از غرب با شهرستان مهاباد همسایه است. مرکز این شهرستان شهر بوکان است. در این گفتار نگاهی داریم به موضوع پزشکی سنتی در این منطقه.

پراکندگی گیاهان دارویی به تفکیک مناطق بررسی شده

نام دارو	بوکان	قلعه رسول سیت	سراب	تازه قلعه	قاضی اخوی	تیکان تپه	درویشان
برگ درخت سنجد	×						
برگ تالش	×						
گل لاله					×		
رگس ولوک						×	
لپه خام					×		
سنامکی	×		×				
هسته تلخ زردآلو	×			×			×
مرزه						×	
فیزالک						×	
انجیر				×			
پوست انار						×	
چای خشک		×					
ووره			×				

		×					سیر
		×	×				پوست ترپ
×	×	×	×	×	×	×	یونجه
×							شیره درخت بنشمال
		×			×		سیب زمینی
		×			×		کلارک ش
						×	برگ شیرین بینا شیرین بلک
			×			×	برگ مکوک
			×				پنکه
			×				تخم خیار چنبر
			×				غربانک
			×				تفاله چای

پراکندگی داروهای غیر گیاهی به تفکیک بررسی شده

نام دارو	بوکان	قلعه رسول سیت	سراب	تازه قلعه	قاضی اخوی	تیکان تپه	درویشان
روغن حیوانی	×	×			×		×
دود سیگار		×	×	×		×	
دود سیگار		×					
روغن کرچک					×		
نفت						×	
پیشاب		×			×		×
ماهی جویباری							×
جوهر لیمو					×		
آب ولرم	×	×	×			×	
شیر حلقه تیز			×			×	×
شیر گاو		×					
نبت داغ	×						

×			×			×	ماست
×							آرد نخودچی
		×			×		عطر
×		×			×	×	خاکستر پارچه
		×			×		ماست
	×			×			شیر برگ انجیر
	×						روغن درخت قیزی جار
						×	کفش دوزک
				×			پوست بز
			×				برنج کنه

جدول داروهای ترکیبی

داروهای ترکیبی	بوکان	قلعه رسول سیت	سراب	تازه قلعه	قاضی اخوی	تیکان تپه	درویشان
دارچین + قولنجان						×	
فلفل + بروش	×	×	×	×	×	×	×
زردچوبه + جگرسیاه		×					
زاج + ماست						×	
تخم کوبیده قزوان + ماست گوسفند	×						
رشته + دوغ		×	×				
سماق ترش + حنا + روغن حیوانی						×	
خاکستر جو سوزانده + روغن حیوانی			×				
خاکستر پارچه + ماست	×						
خاکستر پوست خاریشت + روغن حیوانی						×	
روغن + آرد						×	

بیماری‌های روحی

مراجعه به دعانویس از جمله موارد معمول در مناطق بررسی شده برای درمان بیماری‌های روحی چون ترس از تاریکی، حیوانات است. در گذشته‌های نه‌چندان دور میان در صورتی که فردی جن‌زده می‌شد، اطرافیان وی اغلب او را به نزد شیخی در روستای خانقاه برای تاس‌گیری می‌برند. وی ظاهراً برای این کار کاسه‌ای از جنس مس را پر آب کرده و دعایی بر آن می‌خواند تا اجنه را در داخل آن جمع کرده و بدین نحو با شناسایی جن مزاحم دعا را بسته و در آب اندازد تا بلکه بدین ترتیب او را تسخیر کند. اما در اغلب نقاط برای درمان بیماری‌های روحی به پیش شیخی می‌رفتند. وی پس از نوشتن دعا سفارش می‌کرد آن را در ظرف حاوی آب انداخته و به هم بزنند سپس مقداری را بیمار نوشیده و کمی هم بر سرش بپاشد. آن‌گاه دعا را به موم عسل آغشته کرده و با پیچیدن به پارچه‌ای در رنگ‌های سبز یا سرخ و سفید آن را به شکل مثلث در آورده و بر شانه (بیمار) سنجاق کنند.

بیماری‌های جسمی

گوش درد معمول‌ترین درمان برای التیام گوش درد در هم مناطق بررسی شده به شرح زیر است.

- دمیدن مقداری دود سیگار به داخل گوش کودکان.
- مقداری روغن حیوانی را در پوست پیاز ولرم کرده و در گوش کودک می‌ریزند.
- مقداری روغن کرچک در گوش می‌ریزند.
- مقداری نفت داخل گوش می‌چکانند.

سرماخوردگی و سینه‌پهلو برای درمان سرماخوردگی و سینه‌پهلو روش‌های درمانی زیر را به کار می‌بستند.

- در شهر بوکان مشتی از برگ‌های خشک شده یا تازه درخت سنجد را در آب جوش ریخته و بیمار با انداختن پتو یا دستمال بزرگ روی سر، خود را در معرض بخور آن قرار می‌دهد.
- دم کرده دارچین با قولنجان می‌خورند.
- مقداری فلفل را با گندمی به نام بروش (baroveš) پخته و به شخص می‌خورانند سپس بر روی او پتویی انداخته و می‌گذاشتند عرق کند.

خروسک روش‌های درمانی که برای بیماری خروسک به کار برده می‌شد عبارت بودند:

- مشتی از برگ‌های گیاهی به نام تالش (tâleş) را کوبیده و بر گلو می‌بستند.
- مقداری پیشاب بیمار را به خود او می‌خوراندند.
- مقداری از گل برگ‌های سرخ شقایق را در چهار لیوان آب ریخته آن را جوشانده تا حجم آن نصف شود سپس مابقی می‌خورند.

یرقان برای درمان یرقان یا به عبارت لفظ محلی (زردویی) شیوه‌های زیر به کار برده می‌شد.

- بلعیدن ماهی‌های ریز جویباری یا نگاه کردن به این ماهی‌ها در تنگ آب، و بستن یک یا چند عدد مهره زرد رنگ بر میج دست چپ.

چشم‌درد برای درمان درد چشم در روستای قلعه‌رسول سیت کمی جگر سیاه را با زردچوبه روی آتش حرارت داده و شخص چشم‌های خود را در معرض دود حاصل از آنها می‌گرفت. اما رد روستای درویشان شخص چشم‌های خود را در مقابل دود گیاهی به‌نام سلولوک (selvaluk) می‌گرفت.^۱

گل‌مژه ساکنان این مناطق بر این باورند اگر چشمی گل‌مژه داشته باشد باید به چشم دیگر که سالم است سرمه کشید تا گل‌مژه از حسودی بترکد دق کند. همچنین دعا می‌کردند تا از چشم سالم یا همان گل‌مژه‌دار تعداد هفت‌تای دیگر گل‌مژه چشم دیگر از حسودی بترکد.

کرم روده از داروهای محلی برای درمان کرم روده استفاده می‌شد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

- چند عدد هسته تلخ زردآلو را می‌خورند.

- قرصی به‌نام گنه‌گنه می‌خورند.

- نیم مشت از برگ‌های گیاهی به‌نام سنامکی را جوشانده پس از دم کشیدن می‌خورند.

- مقداری جوهر لیمو یا لپه خام می‌خورند.

- مقداری ماست شیرین را با زاج به‌هم زده میل می‌کنند.

بواسیر

- در شهر بوکان برای درمان بواسیر بیمار را در آب ولرم می‌نشانند.

- در روستای سراب و قلعه‌رسول سیت ملاح بیمار را داغ زده و مقداری عسل یا زیتون بر موضع داغ‌زده شده می‌مالند.

- در روستای تیکان مقداری مرزه را داخل کیسه پارچه‌ای ریخته و در ظرف آبی قرار می‌دهند.

شخص بیمار پس از دفع محتویات روده و طهارت با آب معمولی باید مجدداً با آب مرزه نیز طهارت بگیرد.

شاش‌بند نشان‌دهنده شخص بیمار در آب ولرم یا گرمی که تحمل آن را داشته باشد یکی از معمول‌ترین روش‌های درمان این عارضه است. اما در روستای درویشان ریشه به‌نام فیزالک fizalak جوشانده سپس بیمار را از کمر به پایین با آب آن استحمام می‌دهند.

یبوست در اغلب مناطق بررسی‌شده نیم با یک قطره از شیر گیاهی به‌نام شلوار بکن حلقه تیز را بر حبه قندی چکانده و به شخص بیمار می‌خوراند. گفتنی است که بیشتر از این مقدار خطرناک بود و شخص را دچار اسهال‌های شدید و مزمن می‌کند.

در شهر بوکان برای درمان یبوست مستی برگ سنامکی را جوشانده، پس از دم کشیدن به شخص می‌خوراندند. در مواردی هم اقدام به خوردن شیر گاو می‌کنند. یا در روستای تازه‌قلعه تخم خیارچنبر را در آب حل کرده سپس مقداری از آن را می‌نوشند.

۱. در سایر نقاط پرسیده نشد.

اسهال از داروهایی که در مناطق بررسی شده برای درمان اسهال به کار برده می‌شد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مقداری نبات داغ می‌خورند.
- به شخص بیمار کمی ماست می‌خورانند.
- مقداری از تخم به‌نام قَران (qazavân) را کوبیده سپس به اندازه یک قاشق چایخوری از این ماده را با سه قاشق غذاخوری ماست گوسفند یا گاو ترکیب کرده و به بیمار می‌خورانند.
- مقداری رشته را با دوغ ترکیب کرده پس از پختن میل می‌کنند.
- برای درمان اسهال خونی در روستای تیکان تپه به اندازه دو کیلو پوست انار را بر حرارت تنور خشک کرده سپس حدود پنج کاسه آب به آن افزوده و می‌جوشانند. وقتی نیمی از آب آن باقی ماند آن را از صافی گذرانده و به مدت دو یا سه روز هر وعده نیم‌استکان میل می‌کنند.
- اما برای درمان اسهال در روستای تیکان تپه مقداری کشک را خرد کرده، پس از اینکه از صافی عبور دادند، با افزودن سفیده تخم‌مرغ آن را به‌شکل خمیر در می‌آورند. آن‌گاه آن را گلوله کرده و در بشقابی روی حرارت قرار می‌دهند تا کمی سرخ شود. سپس بیمار می‌تواند آن را میل کند.
- خوردن آرد نخود از دیگر روش‌های درمان اسهال است.

دندان‌درد

- نگه داشتن دود سیگار داخل دهان، ریختن کمی عطر یا چای خشک بر موضع یا نان جویده و سیر از راه‌های درمان دندان‌درد در منطقه هستند.
- گیاهی به‌نام ووره (vurra) را روی دندان قرار می‌دهند.
- در روستای تازه‌قلعه گیاهی به‌نام غَرَبانک (yarbânak) را سوزانده سپس شخص دهان و دندان خود را در مقابل دود آن می‌گیرد.

سردرد بادکش انداختن بر پیشانی و بستن دور با دستمال از معمول‌ترین روش‌های درمان سردرد مناطق بررسی شده است. مضاف بر این در روستای قاضی اخوی و تازه‌قلعه برای تسکین درد مقداری پوست ترب روی پیشانی قرار می‌دهند.

خون‌ریزی‌ها (بریدگی‌ها) معمول‌ترین روش‌های بند آوردن خون‌ریزی اعضای بدن، خصوصاً بریدگی‌ها قرار دادن مقداری یونجه جویده‌شده بر موضع یا پاشیدن کمی خاکستر پارچه نخی است. مضاف بر این در روستای تازه‌قلعه همین عمل را با برگ‌های گیاهی به‌نام پنکه (panka) نیز انجام می‌دهند.

سوختگی

- برای التیام محل سوخته شده مقداری ماست بر محل می‌مالند.
- گذاشتن قاج سیب‌زمینی یا پوره آن از دیگر روش‌های معمول درمان سوختگی است.

۱. در زبان ترکی چیدان گوش (ciddân quş) نامیده می‌شود. (ح. سپهرفر).

- ترکیب خاکستر پارچه نخی با ماست را نیز برای درمان سوختگی مفید می‌دانند.
- مقداری جو را سوزانده خاکستر به دست آمده را با روغن ترکیب و با پر مرغ به موضع می‌مالند.
- مقداری سماق ترش را جوشانده، سپس با افزودن مقدار حنا و روغن حیوانی توسط پر مرغ بر محل می‌مالند.
- مقداری قندآب بر موضع می‌مالند.
- شیرۀ درختی به نام بنشت‌تال (benaštetal) را روی موضع می‌مالند.

بیرو نوعی بیماری پوستی است که ابتدا عضو سرخ شده و خارش پیدا می‌کند. در نتیجه مدتی بعد ترک برداشته و خون‌آبه‌ای از آن تراوش می‌کند که تبدیل به زخم می‌شود. در ایام گذشته ساکنان این مناطق برای درمان و بهبودی این زخم پوستی شیوه‌های درمانی زیر را به کار می‌بستند.

- ساقهای درختی به نام بوز (buz) قیزیجار (qizijâr) را در مقابل حرارت آتش گرفته، روغنی را که از ته آن بیرون تراوش می‌کند روی موضع می‌مالیدند.
- مقداری شیره برگ انجیر روی محل می‌مالند.
- پوست خارپشت را سوزانده، خاکستر را با روغن ترکیب و روی موضع می‌مالند.

زگیل

- کفش دوزک را کشته و بر زگیل می‌مالند.
- شیرۀ برگ انجیر را روی محل می‌مالند.
- در روستای تیکان تپه هفت عدد جو را پس خواندن دعایی توسط ملا بر آن، در جایی چال می‌کنند که گیاه سبزینه‌ای نباشد. یا هفت عدد جو و هفت دانه نمک بزرگ را در آتش انداخته و منتظر می‌مانند تا بترکد، با این مهم که شخص زگیل‌دار نباید صدای ترکیدن آن‌ها را بشنود.
- باور دارند اگر مقداری از گوشت و نمک شخصی را که زگیل دارد دزدیده و در جایی چال کنند. پس از پوشیدن گوشت، زگیل هم خودبه‌خود می‌افتد.
- با سر جو را کنده بعد از ترکیدن آن با نمک دعایی مختص زگیل را به آن خوانده و در کنار جوی آب یا جایی که نمناک باشد چال می‌کنند. به امید اینکه با پوشیدن جو زگیل نیز پوسیده و بیفتد.

حجامت کردن در هم مناطق بررسی شده یکی از شیوه‌های معمول برای درمان سرماخوردگی و بیرون آوردن خون پیس^۱، و درد پشت کمر حجامت کردن است. این عمل اغلب از ناحیه پشت گردن یا کتف‌ها و همچنین روی ران‌ها توسط زنان خبرۀ این کار را انجام می‌گرفت. آن‌ها اغلب در فصل بهار، که خون بدن آدمی رقیق می‌شود، از ناحیه پشت گردن، حدود آخرین مهره‌های گردن، یا نقاط دیگر بدن چند عمودی زده سپس با کله شاخ (شاخ گاو) اقدام به مکیدن خون موضع می‌کنند. که نهایتاً خون سیاهی را بیرون می‌آورند. در مواقعی هم ابتدا محل را مکیده بعد از اینکه خون را به سطح بدن انتقال دادند تیغ زده و با شاخ گاو می‌مکند.

۱. اصطلاحی است که ساکنان روستاها برای خون داخل سیاهرگ به کار می‌برند.

بادکش انداختن عمدتاً برای درمان سرماخوردگی و ذات‌الریه اقدام به بادکش‌زنی می‌کنند. برای این کار ابتدا مقداری خمیر روی کتف‌ها قرار می‌دهند. سپس در میان پارچه‌ای مقداری نمک ریخته و آن را می‌بندند، آن‌گاه آغشته به نفت کرده و با روشن کردن، آن را روی خمیر گذاشته و کوپ (لیوان سفالین) را روی آن قرار می‌دهند.

بدین ترتیب با خلئی که در محل به وجود می‌آید عضو به داخل لیوان کشیده می‌شود. این روش (بادکش انداختن) نیز برای درمان سردرد از روی پیشانی هم به کار می‌روند.

شکسته‌بندی

درمان کوفتگی

- برای درمان محل کوفته شده که در اصطلاح محلی جامام (jāmām) نامیده می‌شود، مقداری از برگ‌های گیاه م کوک (mekuk) یا شیرین‌بیان (شیرین بلک) را کوبیده و روی محل می‌بندند. مضاف بر این در روستای تازه‌قلعه تفاله چای دم کرده نیز بسته می‌شود.
- عضو را با خمیر گندم می‌بندند.
- پوست بز که به‌تازگی ذبح شده دیگر روش‌های درمان کوفتگی است.
- گیاهی به‌نام گلارکش (glarekas) را کوبیده و این مرهم روی عضو می‌بندند.
- مقداری روغن و آرد را ترکیب کرده، پس از حرارت دادن روی عضو می‌بندند.

دررفتگی‌ها

درمان دررفتگی استخوان روی پا برای جا انداختن این قسمت از عضو ابتدا شکسته‌بند محل را با آب صابون یا آب ولرم مالش داده و نرم می‌کند. سپس زیر پای مصدوم تکه‌ای سفال گذاشته آن‌گاه پای خود را به آرامی روی پای شخص قرار می‌دهند. شکسته‌بند در یک لحظه ضمن فشاری که به پای مصدوم وارد می‌کند وی را نیز به بالا بلند کرده، در نتیجه استخوان‌ها در جای خود می‌افتند. اگر از این روش استفاده نشود عضو را پس از مالش دادن و نرم کردن کمی به چپ و راست داده و در یک آن سریع به جلو می‌کشند. سپس مقداری موم عسل راه، که بر روی پارچه‌ای کشیده‌اند، روی عضو می‌بندند.

دررفتگی زانو برای جا افتادن زانوی دررفته پس از نرم کردن و مالش دادن عضو شخص را چنپاته نشانده، بعد بلند می‌کنند. آن‌گاه در این حین شکسته‌بند استخوان عضو را در جای خود می‌اندازد.

دررفتگی شانه برای جا انداختن شانه ابتدا محل را با آب ولرم مالش داده سپس از بیمار می‌خواهند دست‌هایش را روی سرش قرار دهد. در این موقع شکسته‌بند آرنج‌های او را گرفته و به هم نزدیک می‌کند. بعد عقب برده و مجدداً نزدیک هم می‌آورد. نهایتاً پس از اینکه شانه را در جای خود قرار داده مقداری

پنبه در زیر بغل او گذاشته و ناحیه مصدوم را با پارچه خام^۱ یا تنزیب باندپیچی می‌کند.

فرورفتگی دنده‌ها برای بیرون آوردن دنده‌ها از شمعی که شکسته‌بند با ترکیب موم عسل و سقز درست کرده استفاده می‌کنند. وی برای این کار قبلاً این ترکیب را روی پارچه کتان سفید رنگ (خام) کشیده و در صورت نیاز پس از حرارت دادن روی دنده‌ها می‌چسباند. همین عمل نیز برای شکستگی دنده‌ها هم انجام می‌شود.

دررفتگی میچ دست اگر میچ دست شخصی دررفتگی داشته باشد ابتدا عضو را مالش داده و نرم می‌کنند سپس شکسته‌بند عضو را به چپ و راست حرکت داده آن‌گاه به جلو می‌کشد.

شکستگی استخوان‌های بدن ابتدا شکسته‌بند محل را بررسی کرده و از نوع شکستگی که ممکن است باز یا بسته باشد اطلاع پیدا می‌کند. در صورتی که شکستگی از نوع معمولی و بسته بوده و کمی جابه‌جایی داشته باشد. ابتدا عضو را به آرامی کشیده، پس از تهیه مرهم محلی، که ترکیبی از موم عسل با سقز و در مواردی ترکیب آرد با زرده تخم‌مرغ یا گیاه روناس با زرده تخم‌مرغ است، را بر پارچه کتان سفید رنگی کشیده و آماده می‌کند. آن‌گاه شکسته‌بند ابتدا عضو را به آرامی کشیده و لبه‌های عضو را با هم مماس می‌کند. پس از این کار بسته به بزرگی و کوچکی ناحیه شکسته شده دور تار دور آن را چوب‌های نازک به اندازه ۳×۲۰ سانتی‌متر به ردیف قرار داده و رویش را با پارچه کتانی می‌بندد.^۲ پس از گذشت حدود دو هفته یا بیست روز از بیمار می‌خواهد برای بررسی و ملاقات مجدد پیش وی بیاید، اگر در این مدت عضو خارش داشته و قسمت‌های بالای محل ورم کرده باشد نشانه بهبودی بوده، لذا شکسته‌بند یکی از چوب‌ها را برداشته و باند را شل‌تر می‌کند.

حال در صورتی که شکستگی باز بوده و استخوان بیرون رانده شده باشد با کشیدن عضو به جلو دو قسمت شکسته شده را به هم نزدیک و مماس می‌کند. سپس به شیوه یادشده شروع به بستن عضو و گذاشتن تخته دور ناحیه شکسته شده می‌کند. اما در ناحیه‌ای که زخم شده چوب‌ها را به شکلی قرار می‌دهند تا تخته‌ها روی زخم قرار نگیرند و مصدوم بتواند برای معالجه زخم به پزشک مراجعه کرده و همان ناحیه را با بریدن تنزیب بیرون آورده و مداوا را انجام دهند.

اشخاصی که به امور مختلف طب سنتی می‌پردازند

جراح شکسته‌بند محلی در حوزه پژوهش است که در امورات مربوط به شکسته‌بندی فعالیت می‌کند.

مامان زانی هستند که در امورات مربوط به وضع حمل به زائو کمک می‌کنند.

حکیم اشخاصی اعم از زنان یا مردان هستند که قدرت تشخیص بیماری معمولی را داشته و می‌توانند

۱. پارچه خام پارچه‌ای است نخی که در آب وارد نشده باشد.

۲. مضاف بر موارد یادشده در روستای کانی‌پنکه در اغلب موارد خصوصاً دررفتگی از پماد سوختگی burn ointment نیز استفاده می‌شود.

گیاهان دارویی مناسبی را برای درمان تجویز کنند.

دلاک مردانی هستند که کار ختنه انجام می‌دادند.

ابزار و وسایل در طب سنتی

پر مرغ وسیله مالیدن روغن در موضع‌های سوختگی و ...

کله شاخ عبارت است شاخ سوراخ شده گاو که برای بادکش انداختن یا به عبارتی حجامت استفاده می‌شود.

گوبه عبارت است از ظرف سفالین کوچک شبیه دیزی که برای بادکش انداختن در بیماری سرماخوردگی به کار برده می‌شد.

نیشتر وسیله فلزی نوک تیز با دسته چوبی شبیه چاقو است که برای فصد کردن به کار می‌رود.

تیغ دلاکی وسیله ختنه کردن و حجامت کردن است.

تخته‌های چوبی باریک وسیله بستن عضو شکسته شده هستند.

خام پارچه‌های کتانی آبندیده‌اند که برای بستن اعضای شکسته شده استفاده می‌شود.

